

Wed 03 06 2009 17:23

مردم، در رای گیری شرکت کنید!

حمید صدر

بیش از چند روز به انتخابات نامانده است، عرایض بنده بنا به وضعیت ناروشن و شلوغ فعلی، شلوغی که در حقیقت انتخابات به سبک و سیاق جمهوری اسلامی باعث و بانی آن است و آنرا مثل همه چیز دیگر در این حکومت بصورت یک بحران بما تحمیل می کند، روشن کردن این موضوع است که چه باید کرد؟ اما قبل از اینکه وارد اصل مطلب شوم، توصیه میکنم دچار هیستری و هیجان نشویم، بلکه همانطور که عقل سلیم حکم میکند در ابتدا با آرامش فکر کنیم و بعد هرطور که میخواهیم اقدام نمائیم.

در مورد اینکه در این شرایط چه باید بکنیم تا گشایشی در بن بست فعلی حاصل بشود، من هم مثل بسیاری فکر کرده ام و سعی میکنم در اینجا آنچه را که به نظرم می رسد صادقانه، با صراحت و شفافیت و گفتاری رو راست با شما در میان بگذارم.

سوال اصلی در این انتخابات این بوده که آیا ترغیب مردم به شرکت نکردن ثمربخش است یا تشویق آنها به شرکت در انتخابات. چند روزی است که جو کم کم به نفع شرکت در انتخابات تغییر پیدا کرده و اینطور که پیداست مردم و بخصوص جوانان قصد دارند، در این انتخابات شرکت کنند. اما بحث بر سر این موضوع همچنان ادامه دارد و اینکه با شرکت در این انتخابات است که قدمی بطرف دموکراسی و نفی دخالت دین در حکومت برداشته خواهد شد یا عکس آن مشغولیت ذهنی سازمانها و گروههای مخالف حکومت اسلامی شده. هدف من نیز این است که به نوبه خود کوشش کنم بررسی کنیم که چگونه میشود از طریق شرکت و یا تحریم انتخابات حکومت استبداد دینی را از جلو پای تاریخ مان برداشت و جامعه را بطرف یک جامعه باز و انسانی سوق داد.

حدود یکماه و نیم پیش در یک مصاحبه رادیویی با صراحت اعلام کردم که باید همه در این انتخابات بطور وسیع شرکت کنند. گفتم، البته برای من منطقی و قابل فهم است که احزاب و گروههای سکولار و طرفدار دموکراسی مانند جبهه ملی ایران و نهضت مقاومت ملی ایران بعلت فقدان امکانات و شرایط مساوی برای شرکت در این انتخابات (نداشتن آزادی تبلیغات، محدودیت در برگزاری جلسات انتخاباتی در درون و بیرون سازمان و محدودیت کامل در معرفی کاندیدا، نداشتن نظارت بر صندوقهای رای و شمارش آرا) در این انتخابات شرکت نکنند. ولی در عین حال درست نمیدانم که از هواداران و مردم ایران انتظار داشته باشند، آنها نیز از این رای و نظر پیروی نمایند.

همه ما باید فکر کنیم و ببینیم از کدام طریق بهتر میتوان مردم را در نائل شدن به هدف کلی که نجات ایران از این مخمصه و پراتنزیسهای سی ساله است، قانع کرد.

این جزو بدیهیات است که مبارزه پارلمانی در کشور ما هنوز به یک فرهنگ و سنت سیاسی تبدیل نشده است و بقول معروف به علت حضور استبداد درصد ساله گذشته هنوز «جا» نیافتاده است. با دعوت مردم به تحریم انتخابات از شرکت آنها در همین محدوده تنگ و سطح نازل مبارزات انتخاباتی جلوگیری نکنیم. البته که مردم نباید انتظار غلط از کارکرد و عملکرد مبارزه انتخاباتی در ایران جمهوری اسلامی داشته باشند. چون ساده لوحی است اگر فکر کنند با فعالیت در یک انتخابات میتوانند حکومت جمهوری اسلامی را وادار سازند برای مثال در روش استصوابی تجدید نظر کند! اصولا نه در ایران بلکه در هیچ کجا نباید انتظار داشت که دیکتاتوری از طریق پر کردن صندوقهای رای سقوط می کند و استبداد با شرکت در انتخابات بساطش را جمع می کند و میرود.

برداشت درست از یک انتخابات محدود در یک شرایط سیاسی بسته و اختناقی مانند انتخاباتی که اکنون بصورت علیل و ناقص آن در جمهوری اسلامی برگزار میشود، باعث میشود که ما بیخود سر خود را با وراجی گرم نکنیم. باید قبول کنیم این انتخابات تنها ابزاری برای مردم است که خواستها و مطالبات خود را ابراز کنند، و با همه تنگناها میتواند آنها را قدم به قدم بطرف عادت شدن یک فرهنگ مبارزات پارلمانی سوق بدهد و کمی در رشد آگاهی سیاسی مردم در این مورد نقش داشته باشد. میگوئید از همین حد

اقل نیز چشم پوشی کنیم؟ به امید اینکه چه بشود؟

موافقین تحریم فراموش میکنند که فقط در انتخابات است که مردم حتی به این صورت ناقص و محدود، به حضور و وجود خود بعنوان حاکمان اصلی کشور (سو ورن) پی می برند. حتی از این هم بیشتر. اگر مردم در یک انتخابات نیز اعلام حضور نکنند، آنهایی که بر مسند قدرت نشسته اند چگونه خواهند فهمید که در مقابل اراده مردم چاره ای جز تمکین ندارند؟

وظیفه روشنفکران و سازمانهای سیاسی طرفدار دموکراسی در حقیقت این است که مردم را طی مبارزات انتخاباتی خود نسبت به اراده ملی، حاکمیت ملی و نقش خودمردم در این دو اصل مهم آگاه کنند. زمانیکه تظاهرات ممنوع است، برگزاری جلسات سیاسی ممنوع است، روزنامه و رادیو و تلویزیون در اختیار حکومت است و سانسور برقرار، چگونه و از چه طریقی میخواهیم جامعه را به حقوق شهروندی خود آگاه کنیم.

در اینجا مقدمات چند توضیح کلی در مورد برخی مقولات سیاسی و اقتصادی که همه کم و بیش به چند و چون آن آگاهند، لازم است. ما میدانیم که برای مثال نزاع اصلی در یک جامعه بر سر تقسیم نعم مادی است. حال میخواهد این نعم مادی از طریق بهره کشی از نیروی کار به ثروت تبدیل شده باشد، یا از طریق بهره بردن از منابع زیر زمینی مثل نفت. نحوه تقسیم این نعم در همه جوامع موضوع کشاکش و جدال دائمی بین طبقات و اقلیتها و اکثریتها است. حکومت به معنی (Staat, state) اصولاً نقش موثری در درجه و نحوه تقسیم و تعدیل ثروتها دارد. مکانیسم های گرفتن مالیات (چه مستقیم و چه غیر مستقیم) بردآمد، بر مالکیت و ثروت یکی از مهمترین ابزار حکومت در تقسیم نعم مادی است. انتخابات در یک دموکراسی پارلمانی کارزاری است که در آن نحوه تقسیم نعم مادی جامعه از طریق شرکت مردم در انتخاب و از طریق نمایندگان آنها و تشکیل دولت تعیین میشود. پارلمان و قدرت اجرائی در چنین حکومتی موظفند بنا به رای مردم حدود و ثغور چگونگی هزینه کردن و تقسیم درآمدها و مالیاتها و ثروتها را تعیین نموده و بر اجرای آن نظارت کنند.

اگر در جمهوری اسلامی می بینیم که برای مثال هنوز برای کسی روشن نیست که بر سر ۳۰۰ میلیارد دلار در آمد نفت در این مدت چه آمده است، به این معنی است که با سیستمی غیر دموکراتیک در یک بی قانونی لجام گسیخته زندگی می کنیم. آیا می گوئیم مردم در یک چنین خودکامگانی در این انتخابات سوال نکنند که بر سر درآمدهای ملی چه آمده است؟ اینطور بنظر می رسد که برای برخی از مردم و سازمانهای سیاسی عادی شده که که ولی فقیه و گروههای مسئول درآمدهای کشور را مانند غنائم جنگی بین گروههای خودی تقسیم کنند و بعد هم هر چهار سال یکبار تائید این خودکامگی را از مردم بگیرند. اینکه به مردم بگوئیم در این انتخابات شرکت نکنید، به این معنی است که آنها سوال از کاندیداها را حق خود ندانند.

به گذشته کاری ندارم. در چهار سال گذشته اقداماتی از طرف دولت احمدی نژاد صورت گرفته که قبل از آن به این شکل سابقه نداشته است. اگر در دوره های مثل سابق منابع ملی و درآمدهای کشور بصورت غنائم جنگی بین جناحهای مختلف حکومت مافیائی تقسیم می شد و سهمی از آن به مردم می رسید، باز یک حرفی! ولی میدانیم که در چهار سال گذشته احمدی نژاد با قطع دست جناحهای مختلف خودی از منابع مالی و درآمدهای کشور و با متمرکز کردن همه درآمدهای ناشی از صادرات نفت و مالیاتها در دست یک گروه، شرایطی را بوجود آورده که هیچ نظارت و کنترلی بر آن ممکن نیست. اینطور بنظر می رسد که او میخواهد حکومت اسلامی را بطرف یک جمهوری صدام حسینی، یک جمهوری حافظ اسدی، چاوزی و قذافی گونه سوق بدهد و با یک کودتای خرنده و بدون خونریزی مملکت را به نفع یک گروه مافیائی قبضه کند.

آیا ما باید در چنین شرایطی که صدای برخی از خودی های نظام هم در آمده، خود را کنار بکشیم و به مردم هم توصیه کنیم در خانه بنشینند و شرکت در انتخابات را تحریم کنند؟ این است معنی یک اپوزیسیون سکولار و متعهد به دموکراسی؟

کسانی که بارها نوشته اند و میدانند که این حکومت، حکومت گروههای موازی غیر پاسخگو است. و آنها هم نه در یک سطح بلکه در سطوح مختلف امنیتی، قضائی، اقتصادی و دینی، لازم نمی بینند حتی در آنجائی که مردم مجال و فرصت این را یافته اند که از مسئولین توضیح بخواهند، در صحنه ای که مخصوص این کار است، شرکت کنند. در وضعیت نا بسامانی که میلیاردها دلار از درآمد کشور ریخت و پاش و گم و گور میشود و کسی هم حاضر نیست حساب پس بدهد، در وضعیتی که اعدام و سنگسار و قتل در زندان ها بدون وقفه صورت میگیرد، و کسی هم نیست که جوابگوی آن باشد، میخواهیم

مردم را به خانه نشینی دعوت کنیم. منتظر نشسته ایم که اوضاع از این هم بد تر شود؟ وضعیت فعلی دارد فریاد می زند که مبرم ترین گام برای حل این معضل و جلوگیری از نابودی کشور فقط و فقط با حذف باندهای موازی و مافیائی قدرت و نهاد های صدگانه انقلابی و ایدئولوژیک، مانند بنیادها، هیات های مذهبی، مراجع، پاسداران و غیره ممکن است. آن هم مافیائی که در تاریکخانه و زیر زمین حکومت جا خوش کرده و در پناه ولایت فقیه، او را به مثابه اراده مطلق بالای سر خود قرار داده تا بتواند تحت نام او هر کار که می خواهد انجام بدهد.

سالهاست که مردم میدانند این پاسداران، بسیجی ها، بنیادها، مافیای تجارتي وارداتی، صاحبان اسکله های قاچاق، مقاطعه کاران دولتی، صاحبان شرکت های دولتی تا برسد به هیات های مذهبی و خادمان مساجد و برخی «آیات عظام» در حوزه های قم و مشهد باهم دست به یکی کرده اند تا در صفوف «خودی و غیر خودی» یک گرد گیری جدی بکنند و دست بسیاری از خودی های مزاحم را که تا دیروز با آنها هم کاسه بوده اند، از منابع مالی کشور کوتاه کنند. مردم آگاهند که نگرانی اصلی کروی و موسوی بعنوان نمایندگان بخش غیرخودی شده ی نظام و علت پناه آوردن آنها به مردم از کجا سرچشمه می گیرد. آنها میدانند که چرا احمدی نژاد میخواهد با پمپاژ پول، خریدن رای و زمینه سازی برای تقلب در انتخابات فرس را از زیر پای این عده بکشد و آنها دارند به هزار زبان بما میگویند که مردم به داد برسید، حزب پادگانی قصد دارد دست بسیاری را چه معمم و چه غیر معمم از دخالت در «نظام» قطع کند و یکبار برای همیشه هرم قدرت را یکدست کند. و ما میدانیم که تا بحال احمدی نژاد بیکار نبوده و با انحلال انواع و اقسام سازمانهای برنامه ریزی و نظارت و کنترل جاده را تا حدودی برای این هدف صاف کرده است. ما می بینیم و میدانیم که که ستاد انتخاباتی احمدی نژاد سعی دارد با «مهندسی انتخابات» و از طریق کنترل وسائل ارتباط جمعی و تقلب در انتخابات چنان رانی بیاورد که در همان دور اول انتخابات احمدی نژاد رئیس جمهور شود. خود وی در جلسه ستاد انتخاباتی به صراحت گفته که در فکر تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی است تا کاری کند که مثل چاوز، صدام حسین، حافظ اسد و معمر قذافی بتواند اگر نه یک رئیس جمهور دائم العمر حد اقل برای چند دوره رئیس جمهور باقی بماند.

آن وقت ما میائیم درست در چنین موقعیت حساسی بمردم میگوئیم، خانه نشین شوید و در انتخابات شرکت نکنید تا نظام مشروعیت خود را از دست بدهد. میخواهیم بطور غیر مستقیم به کسانی که دارند انتخابات را «مهندسی» میکنند کمک برسائیم؟

فراموش نکنیم، همین انتخابات ناقص نیز ته مانده مجاهدتهای صد ساله آزادیخواهان است. اگر تا بحال حکومت اسلامی نتوانسته با همه تلاشهای آدمهائی مثل احمدی نژاد آن نظام حکومتی را که بیشتر به طبیعت حکومت اسلامی سازگار است، مستقر کند، بخاطر حافظه تاریخی ملتی است که از جنبش مشروطه تا کنون برای حاکمیت ملی و حکومت قانون مبارزه کرده. با تعطیل مبارزه انتخاباتی چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ از اینکه مردم انتخابات را تحریم کنند حافظه تاریخی اشان تازه می شود؟ مردم تا کی میتوانند در چنین وضعیتی متکی به اراده و خواست خود طالب حاکمیت ملی و حکومت قانون باشند؟

اصرار من و امثال من در تاکید اینکه مردم باید حتما بطور وسیع در این انتخابات شرکت کنند، همچنین از اینجا ناشی میشود که این امید هست که مردم بتوانند با شرکت گسترده خود برنامه های مهندسی شده خامنه ای - احمدی نژاد را برای کنترل انتخابات خنثی کنند. ما در این مصاف نابرابر فقط با حکومت استبدادی جمهوری اسلامی و محدودیت های انتخاباتی آن روبرو نیستیم. مسئله نگران کننده برای ما آن در صدی از رای دهندگان سازمان داده شده هستند که کف رای احمدی نژاد را تشکیل میدهند. مشکل تحریم کنندگان این است که انتخابات را در جمهوری اسلامی چون غیر دموکراتیک غیر رقابتی میدانند و آن بخش را که در جامعه استبداد زده ما نه تنها امروز بلکه صد سال گذشته همواره ابزار و عامل مستبدین بوده، در نظر نمی گیرند. طرفداران احمدی نژاد هم جزو مردم ایرانند. اینها همان کسانی هستند که با یک کیسه سیب زمینی و چند تراول چک، با انداختن نامه ای به چاه جمکران و یا فرستادن چند صلوات کشور را مانند روزهای بهمن ۱۳۵۷ به آن جهتی سوق دادند که اکثریت خاموش نمی خواست. این «امت همیشه حاضر در صحنه» دشمن مدرنیته، پیشرفت و شایسته سالاری در جامعه است. خانه نشینی اکثریت خاموش یعنی سپردن سرنوشت ایران بدست این عده. یعنی که از تحول هرچند بطنی بشوک دموکراسی و حاکمیت ملی چشم ببوشیم.

اگرهدف اصلی ما استقرار دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت ملی است، باید بدانیم که حضور در انتخابات بعنوان یک وسیله مهم برای حضور سیاسی و دادن آگاهی به مردمی است که فقط و فقط در دوران انتخابات به سیاست اتفات می کنند. با این آگاهی که استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی در ایران از طریق، کودتا، شورش و انقلاب ممکن

نیست، به سادگی از مبارزه انتخاباتی کنار کشیدن یعنی از کار زاری که تنها مجال برای ارتقاء فرهنگ سیاسی در جامعه است، دست کشیدن. کسانی که انتخابات را تحریم می کنند نمیگویند که می خواهند از چه طریقی آگاهی ی به حاکمیت ملی و دموکراسی را، آگاهی به حقوق شهروندی، حکومت قانون و دموکراسی را به میان مردم ببرند. آیا انتظار داریم در یک خفقان سیاسی مطلق و بدون شرکت در یک انتخابات ناقص مردم ایران یکشنبه دمکرات شوند؟

نتیجه گیری!

- تحریم انتخابات بنظر من در این شرایط اقدامی است نادرست، مایوس کننده، بی هدف و مخالف اهداف دموکراسی و حاکمیت ملی.
- بنظر من هرچه مردم بیشتری در این انتخابات شرکت کنند، فرهنگ سیاسی و آگاهی آن اکثریتی که به عنوان پایگاه حاکمیت ملی و دموکراسی برای فردا لازم است، بیشتر تقویت خواهد شد.
- آمادگی چنین اکثریتی نه برای آینده های دور بلکه حتی برای فردای ۲۲ خرداد لازم است. برای سازماندهی اعتراضات جهت پافشاری بر روی مطالبات و شرکت در یک جنبش اعتراضی امری حیاتی است.
- بانکار زدن دولت پادگانی - امنیتی، هنوز کار تمام نشده. صیانت از صندوق های رأی و نظارت بر شمارش و اصرار و ابرام بر روی مطالبات تازه شروع خواهد شد. بدون یک اکثریت فعال و هوشمند کار بجائی نخواهد رسید.
- در همین فرصت اندکی که به انتخابات مانده نباید بیکار نشست. باید این انتخابات را به میدانی برای گسترش ظرفیتهای اعتراضی و در جهت سازماندهی برای پیگیری خواسته ها، توسعه دموکراسی و حقوق بشر تبدیل کنیم.
- این فضای «باز» انتخاباتی حد اکثر چند ماهی برقرار خواهد ماند. گروههای مدنی و سیاسی و فعالین آن ها فقط چند ماهی مجال دارند بدون پرداخت «هزینه» از این فرصت برای سر و سامان دادن به وضع خود و هوادارانشان بهره برداری کنند.
- این فضا را برای شکستن ترس ها و واهمه ها غنیمت بدانیم. حرکت به طرف دموکراسی تنها از آگاهی به ضرورت آن بر می خیزد. به یکدیگر بگوئیم: نترس! و خواستههای خود را بدون ملاحظه اعلام کن!

مطمئن باشیم، زما نی که این مطالبات بر زبانها و قلمها جاری شد براحتی میتواند به افکار عمومی تبدیل شود. خواست تغییر قانون اساسی به نفع دموکراسی و حقوق بشر یکی از این موارد است.

ایران هرگز نخواهد مرد
وین، ۲ ژوئن ۲۰۰۹

| بازگشت به صفحه اول | این متن را با ایمیل بفرستید | نسخه قابل چاپ |

نظر شما درباره این نوشته:

موضوع:

مردم، در رای گیری شرکت کنید

پست الکترونیک شما:

نظر شما:

ارسال